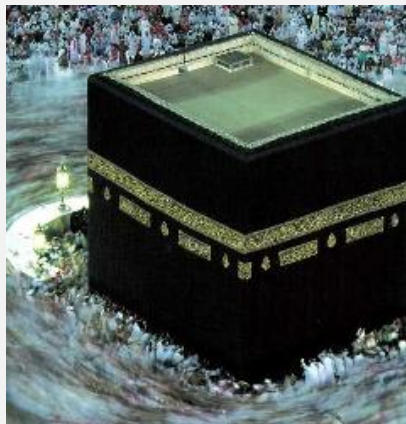


قبول تمایلات فطری و انسانی

یکی از جهت های عمل درونی، قبول تمایلات فطری یا طبیعی در عرصه گزینش است...



یکی از جهت های عمل درونی، قبول تمایلات فطری یا طبیعی در عرصه گزینش است. انسان از لحاظ فطرت و طبیعت، تهی از جذب و دفع و تمایل و تنقّر نیست؛ ولی خداوند در ورطه قبول و نکول این تمایلات فطری یا طبیعی، او را آزاد آفریده است و او می‌تواند براساس قد افلح من زکها (1) تمایلات فطری خویش را برگزیند؛ یا بر محور وقد خاب من دسها (2) تمایلات فطری اش وجود وی را مقهور هیجانات طبیعی شهوت و غضب و جاه‌طلبی کند.

مسلماً اگر به اختیار خویش از تمایلات فطری اثر پذیرد و از تمایلات طبیعی (شهوت، غضب و جاه)، تحت امامت حکمت عملی متأثر شود، اختیاری محکم شکل می‌گیرد که زمینه عزمی راستین را فراهم می‌آورد.

بر این اساس، اختیار محکم، همان تأثر از تمایلات محکم فطری است و اختیار متشابه، انفعال در مقابل تمایلات طبیعی است. تمایلات محکم انسان همان کششهای فطری نهاد اوست؛ یعنی همان جذب و دفعهای فطری مبتنی بر بینشهای شهودی است که همه آنها در مسیر کمال‌طلبی و خداجویی انسان قرار دارد. حبّ ذات، حبّ جاودانگی، آزادی، استقلال، عدالت، فضیلت، کمال‌خواهی، جمال‌دوستی، خداجویی، خداپرستی و حبّ الله؛ فناء فی الله؛ از گرایشهای اصیلی است که در انسان نهاده شده است و از محکّمات تمایلات انسانی است.

جذب و دفعهای انسان که در مراتب مختلفی به شکل شهوت و غضب، ارادت و کراهت یا محبت و عداوت یا تولی و تبری تحت تدبیر عقل عملی بروز می‌یابد، جزو محکّمات است، زیرا عقل از آن جهت که قوه‌ای فطری است، در تدوین گرایشها هماهنگی با فطرت را در نظر می‌گیرد و آنها را براساس بدیهیات حکمت عملی (حسن عدل و قبح ظلم) تنظیم و تدوین می‌کند، همان‌گونه که در بخش ادراک براساس بدیهیات حکمت نظری (اصل امتناع جمع دو نقیض) حکم می‌کند.

نهاد انسان به عدل گرایش دارد و از ظلم گریزان است و اگر تمایلات غیر فطری انسان مانند شهوت، غضب و جاه‌طلبی، تحت تدبیر عقل عملی او

قرار نگیرد، از تمایلات متشابه شمرده می‌شود و تأثر ارادی از آنها در ورطه اختیار، عملی متشابه برای انسان رقم خواهد زد.

1. سوره شمس، آیه 9.

2. سوره شمس، آیه 10.

تفسیر انسان به انسان، ص 323-325